

# موانع پیش روی سرمایه‌گذاری

سینا روشنی

## اشاره

واحد اطلاعات اکونومیست در گزارش ماه نوامبر خود برآورد کرده است که میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان در سال ۲۰۰۵ میلادی تنها معادل ۲۸۰ میلیون دلار بوده است، یعنی ۱۸۰ میلیون دلار کمتر از سال قبل. این روند کاهنده در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ هم ادامه خواهد یافت و در هر سال به ۲۶۰ میلیون دلار خواهد رسید. اما مطابق پیش‌بینی این مرکز، روند مزبور از سال ۲۰۰۸ تغییر خواهد یافت و طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ به ترتیب معادل ۳۸۰ میلیون دلار، ۷۰۰ میلیون دلار و سرانجام ۹۰۰ میلیون دلار خواهد شد. بدین ترتیب، در بهترین وضعیت در این دوره، یعنی در سال ۲۰۱۰ سهم ایران از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان تنها ۰/۰۷ درصد خواهد بود، یعنی در حدود ۰/۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی.

این مقاله ضمن جستجوی علل پایین بودن حجم سرمایه‌گذاری در اینگونه کشورها، به‌طور ضمنی راه‌حل‌ها را هم نشان می‌دهد.

بانک و اقتصاد

رشد و توسعه اقتصادی در یک کشور بدون سرمایه‌گذاری ناممکن است. به همین علت، مساله سرمایه‌گذاری یکی از دغدغه‌های همیشگی دولت‌ها بشمار می‌رود. در این میان، سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت بیشتری برخوردار است. واقعیت این است که سرمایه‌گذاری داخلی به علت رشد پرشتاب اقتصاد جهانی، برای اقتصادهای ملی کافی نیست و توان به‌گرددش درآوردن چرخ‌های اقتصاد ملی را ندارد. به

همین دلیل، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با جذب سرمایه‌های خارجی خلاء ناشی از سرمایه‌گذاری داخلی را جبران کنند.

اما چرا برخی دولت‌ها در زمینه جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی ناکام هستند و کشورهايشان همواره در وضعیت ناپایداری و ضعف، رکود و شکست‌های اقتصادی قرار دارند، ولی برخی دیگر از دولت‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری موفق هستند و درصد قابل‌توجهی از رشد و توسعه اقتصادی آنها ناشی از سرمایه‌های خارجی است؟ در این نوشته به این موضوع از چند جنبه توجه شده است.

یکی از راه‌های آسان برای اعمال فشار بر دولت‌ها، کنترل و اعمال محدودیت‌های شدید اقتصادی از طریق ایجاد ممانعت رسمی و قانونی برای ورود سرمایه‌ها به کشورهای مذکور است.

## (۱) دولت‌ها، به مثابه مانع سرمایه‌گذاری

در کشورهایی که ورود سرمایه‌گذاری خارجی متوقف یا بسیار اندک است، دولت‌ها به عنوان یک مانع اصلی شناخته می‌شوند. اینگونه دولت‌ها اغلب در کشورهای توسعه‌نیافته مستقر هستند. این دولت‌ها دارای مشخصه‌ها و ویژگی‌های تقریباً مشترکی

هستند.

(۱-۱) ساخت سیاسی: دولت‌های مورد اشاره از نظر سیاسی به صورت فردی و یا توسط گروهی واحد اداره می‌شوند. اقتصاد این کشورها نیز به شدت دولتی است و گروه‌های نفوذ و قدرت نقش برجسته‌ای در مدیریت اقتصادی و برخورداری از رانت‌های اقتصادی دارند. بنابراین، حداقل سرمایه‌های خارجی برای ورود به این کشورها باید با توجه به مناسبات سیاسی و اقتصادی خاص حاکم راه خود را طی کنند. سرمایه‌های داخلی نیز به علل مشابه از کشور خارج می‌شوند.

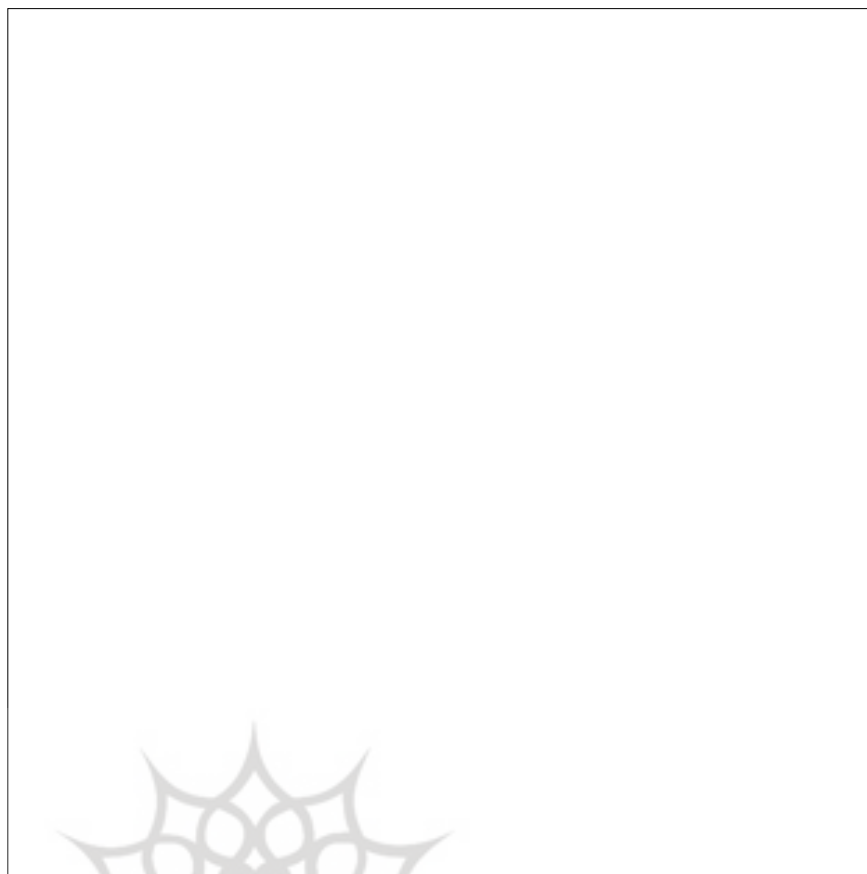
(۲-۱) فشار قدرت‌ها: اینگونه دولت‌ها از نظر سیاسی همچنین تحت فشار قدرت‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی قرار دارند. امروزه یکی از راه‌های آسان اعمال فشار بر دولت‌ها، کنترل و اعمال محدودیت‌های شدید اقتصادی از طریق ایجاد ممانعت رسمی و قانونی برای ورود سرمایه‌ها به کشورهای مذکور است. برخی از محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از طریق قوانین داخلی قدرت‌های ملی دیگر کشورها به توانایی اقتصاد کشورهای یادشده، قوانین و مقررات سختگیرانه به صورت عرفی پذیرفته خواهد شد. بنابراین، در صورت عدم تمکین شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به قوانین وضع‌شده، محدودیت‌های اقتصادی برای آنها در نظر گرفته خواهد شد و با توجه به اصل هزینه - فایده، این شرکت‌ها ترجیح می‌دهند که به قوانین و مقررات منع

دولت اتریش به جهت همکاری‌اش در خصوص کارخانه اشتایر مانلیشر گفته است که احتمال دارد تحریم‌های این شرکت به سرعت لغو شود.

بر اساس این گزارش، از آغاز اعمال قانون منع اشاعه آمریکا علیه ایران، حدود ۴۰ شرکت تاکنون تحت تحریم قرار گرفته‌اند.

اما پاره‌ای از قوانین سختگیرانه و یا تحریم‌های اقتصادی از طریق قوانین و نهادهای بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد و یا شورای امنیت اعمال می‌شوند. بنابراین، همه کشورها به طور رسمی به علت پذیرفتن تعهدات و میثاق‌های بین‌المللی، خود را ملزم به رعایت اینگونه قوانین می‌دانند. دولت‌های تحریم‌شده معمولاً به علت نقض آشکار معاهدات بین‌المللی، جنگ‌افروزی، نسل‌کشی و... به تدریج چنین شرایط محدودکننده‌ای را برای کشور خود فراهم می‌آورند. تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک به همراه تحریم‌های سختگیرانه اقتصادی، اولین و آسان‌ترین و همچنین تاثیرگذارترین روش‌های اعمال فشار شناخته می‌شوند. تحریم‌ها علیه کشورهای لیبی و عراق در سال‌های گذشته از آن جمله بود. دولت معمر قذافی با پذیرش مسوولیت انفجار هواپیما بر فراز لاکربی و پرداخت خسارت به بازماندگان سرنشینان آن هواپیما، به اعمال تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت پایان داد. اما پایان تحریم‌های همه‌جانبه اقتصادی علیه دولت صدام حسین با پایان یافتن عمر این دولت و سرنگونی حکومت عراق از طریق حمله نظامی و با مجوز شورای امنیت سازمان ملل همراه بود.

**۱-۳) تقدم منفعت سیاسی بر منفعت اقتصادی:** امروزه بیشتر دولت‌های مدرن سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تدوین و اجرا می‌کنند که به لحاظ اقتصادی برای کشور خودشان منفعت در پی داشته باشد. این مساله در تعاملات و روابط کشورها تا آن میزان بااهمیت است که اقتصاد و منفعت اقتصادی که جذب سرمایه‌گذاری یکی از پارامترهای اصلی آن است، یک متغیر مستقل شناخته می‌شود و سیاست یک متغیر وابسته. در کشورهای ایدئولوژی‌محور نیز در مراودات و روابط خارجی سیاست همچنان یک متغیر وابسته شناخته می‌شود. اما دولت‌های غیرقایتی و ایدئولوژی‌محور با بزرگنمایی اهداف ایدئولوژیک، ناتوانی خود در زمینه پیشرفت اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری را پنهان می‌کنند. اینگونه



© افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، ارتباط مستقیم با ثبات سیاسی دولت‌ها دارد.

در آمریکا است که هدف از آن، ممانعت از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران است. این گزارش به نقل از آدام ارلی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ادعا کرده که این شرکت‌ها بر اساس اطلاعات معتبری مبنی بر این که تجهیزات و فناوری‌هایی را که در فهرست کنترل چندجانبه به آن اشاره شده، به ایران انتقال داده‌اند، تحریم خواهند شد. شش شرکت چینی که تحت این تحریم‌ها قرار گرفته‌اند، عبارتند از: شرکت صادرات و واردات آئرو - تکنولوژی ملی چین (کاتیک)؛ شرکت صنایع شمال چین، متخصص در ساخت موشک (نورینگو)؛ گروه تجهیزات زیوکی‌میت، متخصص در ساخت کالاهای شیمیایی؛ شرکت هوانوردی هانگدو؛ شرکت تعاونی اقتصادی و فنی بین‌المللی اونیون؛ شرکت معدنی و متالورژی لی‌میت. شرکت‌های شیمیایی ساپرو ارگانیکس و ساندا ارگانیکس هند و شرکت اشتایر - مانلیشر اتریش نیز در این فهرست جای دارند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا سپس با تقدیر از

سرمایه‌گذاری در کشورهای موردنظر تن‌دهند. در این خصوص می‌توان به قانون تحریم اقتصادی ایران اشاره کرد که هر ساله توسط دولت آمریکا تمدید می‌شود. یا قانون داماتو که سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز را در ایران برای مبلغ بیش از ۲۰ میلیون دلار ممنوع کرده است و شرکت‌های غیر آمریکایی هم به دلیل رها شدن از مجازات پیش‌بینی‌شده اقتصادی به قانون فوق تن می‌دهند. همچنین، بر اساس قانونی که در سال ۲۰۰۰ در آمریکا تصویب شده است، شرکت‌هایی که معاملاتی در زمینه تجهیزات و فناوری چندجانبه با ایران داشته باشند، تحریم می‌شوند. به‌عنوان مثال، خبرگزاری فرانسه در این خصوص خبری را منتشر کرده که برپایه آن، واشنگتن نه شرکت چینی، هندی و اتریشی را به اتهام تامین فناوری و تجهیزات نظامی تحریم کرده است. این تحریم‌ها که شرکت‌ها را از تجارت با دولت و شرکت‌های آمریکایی منع می‌کند، مبتنی بر قانون منع اشاعه در ایران مصوبه سال ۲۰۰۰ میلادی

دولت‌ها به علت اعمال سیاست‌های خاص، خود مانعی برای جذب سرمایه‌گذاری بشمار می‌روند. بنابراین، راهکار اساسی همانا تغییرات کلان در نوع نگرش و رفتار سیاسی و درپیش‌گرفتن سیاستی است که اولویت اول را به پیشرفت اقتصادی از طریق جذب سرمایه‌گذاری بدهد، آنهم در شرایطی که منابع پرهزینه داخلی و یا غیررقابتی قادر به تامین چنین هدفی نیستند، و یا دسترسی به اهداف پیش‌بینی‌شده در طرح‌های اقتصادی را با کندی روبرو خواهند کرد.

**۱-۴) ناپایداری سیاسی دولت‌ها:** در شرایطی که دولت‌ها با شرایط ناپایداری سیاسی و به اصطلاح با بی‌ثباتی سیاسی روبرو شوند، ریسک سرمایه‌گذاری بالا خواهد رفت. بنابراین، ضمن کندشدن روند سرمایه‌گذاری خارجی، شرایط سخت‌تر و پرهزینه‌ای برای سرمایه‌گذاری در صنایع زیربنایی پیشنهاد خواهد شد. و اینگونه دولت‌ها ناچار به پرداخت سوبسید برای ورود سرمایه‌های خارجی نیز خواهند شد. البته تسهیلات ارایه‌شده در شرایط بحران، با تسهیلات ارایه‌شده توسط دولت‌های باثبات که به منظور تشویق سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد، متفاوت است. بر این اساس افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، ارتباط مستقیم با ثبات سیاسی دولت‌ها دارد، همانطور که بی‌ثباتی، بحران‌ها و حتی التهاب‌های سیاسی حاد منجر به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری شده و با کاهش سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط مستقیم دارد.

بی‌ثباتی و بحران‌های سیاسی همچنین شرایط را برای خروج سرمایه‌های داخلی آسان می‌کنند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ناپایداری سیاسی دولت‌ها، وضعیت ایستا و معکوسی را بر جریان سرمایه‌گذاری حاکم خواهد کرد. ایستایی در ورود سرمایه‌های خارجی به داخل و وضعیت معکوس برای سرمایه‌های داخلی هم یعنی خارج شدن سرمایه‌ها به سوی بازارهای خارج از مرزهای جغرافیایی کشور. آمارهایی که از سوی نهادهای پژوهشی و اقتصادی منتشر می‌شود نیز نشان‌دهنده این است که در پی تحولات سیاسی داخلی و یا تهدیدهای خارجی، در یک دوره کوتاه، صدها میلیارد دلار از سرمایه‌های داخلی از کشور خارج شده و روانه بازارهای باثبات کشورهای منطقه‌ای و یا بین‌المللی شده است و یا سرمایه‌گذاری خارجی در داخل متوقف شده است. به عنوان مثال، در پی سقوط شاخص کل قیمت سهام به

زیر ده‌هزار واحد، که التهابات و تحولات سیاسی علت اصلی آن عنوان شد، بیش از ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شد. همچنین نشریه اکونومیست در تازه‌ترین گزارش خود، سهم برداشت قطر از بزرگترین منبع گازی مشترک جهان (پارس جنوبی) را شش برابر ایران اعلام کرده است. اکونومیست در گزارش خود، قطر را بزرگترین تولیدکننده L.N.G (گاز طبیعی مایع‌شده) جهان در سال ۲۰۱۰ معرفی می‌کند و با اشاره به ایران به عنوان دومین دارنده منابع گازی جهان، می‌نویسد: تحریم‌های اقتصادی آمریکا و تنش‌های منطقه‌ای و سیاسی مانع از سرمایه‌گذاری‌های گسترده در صنعت گاز ایران شده است. اکونومیست معتقد است که سرمایه‌گذاری ایران در زمینه تولید گاز طبیعی و L.N.G همچنان به صورت لاک‌پستی است.

همچنین بر پایه گزارش آنکتاد، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران، در سال ۲۰۰۴ فقط ۵۰۰ میلیون دلار بوده که در میان کشورهای جهان در رتبه ۱۳۰ قرار داشته است. این در حالی است که قابلیت بالقوه ایران در جذب سرمایه خارجی، در همین سال رتبه ۵۷ ارزیابی شده است. برپایه این گزارش، کشور ایران توانسته است فقط ۰/۰۳ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نماید.

#### با تفسیرهای مغایر با اصول قانون اساسی، نمی‌توان مناسبات و ساختارهای حاکم بر اقتصاد را دگرگون کرد.

#### ۲) سرمایه‌گذاری و دولتی بودن اقتصاد

در شرایطی که دولت‌ها در وضعیت ثبات سیاسی قرار دارند، اما اقتصاد کشور دولتی است، باز هم جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی با محدودیت روبروست. به علت عدم آزادی‌های اقتصادی، و این که سرمایه‌ها وارد بازی رقابتی نمی‌شوند، سرمایه‌های خارجی برای ورود به کشور همواره در پی تضمین‌های کافی هستند. در اقتصاد دولتی به علت دخالت همه‌جانبه دولت در اقتصاد و حاکمیت اقتصاد برنامه‌ای و سوسیالیستی، سرمایه‌های داخلی همواره در پی فرصتی برای خروج از کشور هستند.

۲-۱) **قانون اساسی و مالکیت دولتی:** قانون

اساسی تبیین‌کننده رژیم حقوقی مستقر است. اگر در قانون اساسی، دولت نقش اصلی را در مالکیت و کنترل بخش‌های اقتصاد کشور داشته باشد، آنچه به عنوان برنامه‌های اقتصادی در بوده‌های سالانه در مجلس تصویب و توسط دولت اجرا می‌شود، دارای رویکرد اقتصاد دولتی است. بنابراین، اگر با گذشت زمان، ناکارآمدی اقتصاد دولتی شناخته و آشکار شود و دولت‌ها ناچار شوند که با توجه به تفسیرهای تازه از اصول قانون اساسی به آزادسازی اقتصادی در برخی بخش‌ها توجه نمایند، امکان موفقیت حداقل خواهد بود، زیرا تغییرات باید هم دربرگیرنده شکل حقوقی قوانین و قواعد حقوقی باشند و هم محتوای حقوقی قوانین. به اصطلاح مفهوم و تفسیرهایی که درباره اصول قانون اساسی ارایه می‌شود و یا قوانین عادی که به تبعیت از اصول قانون اساسی وضع می‌شوند، باید برپایه منطوق اصول قانون اساسی باشند. بنابراین، نمی‌توان با تفسیرهای مغایر با اصول قانون اساسی، مناسبات و ساختارهای حاکم بر اقتصاد را دگرگون کرد، به‌خصوص که قوانین عادی سال‌ها برپایه اصول قانون اساسی وضع شده‌اند، ولی در شرایط متغیر، بنا بر این است که تغییرات برپایه تفسیرهای ارایه‌شده از این اصول باشد. شاید یکی از دلایلی که خصوصی‌سازی در ایران به هدف‌های موردنظر دولت‌ها نزدیک نمی‌شود، همانا عدم توجه به چنین واقعیتی در رژیم حقوقی مستقر، یعنی قانون اساسی است.

مساله سرمایه‌گذاری در ایران نیز تحت‌تاثیر چنین شرایطی است، یعنی براساس اصل ۴۴ قانون اساسی بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت هستند، و بخش تعاون نیز شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهرها و روستاها برطبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شوند.

اما بخش خصوصی که تنها پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب ۵۷ مورد توجه برای پیشرفت اقتصادی قرار گرفته است، شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصاد دولتی و تعاونی هستند.

نکته‌ای که یادآوری آن بااهمیت است، این است که کوتاه‌بودن عمر دولت‌ها در اقتصادهای فسادپذیر، خود از جمله عواملی است که انگیزه ورود سرمایه‌های داخلی و خارجی به فعالیت‌های اقتصادی را به شدت کاهش می‌دهد.

همچنین در اقتصادهای فسادپذیر کنترل فساد به علت ناتوانی در برخورد با عوامل و موارد فساد و کاستی‌های قانونی از جمله وضع قوانین مبارزه با فساد و اجرای اینگونه قوانین با مشکلات بیشماری روبروست و موجب ناامنی سرمایه‌گذاری است و در نتیجه، سرمایه‌های داخلی و خارجی در شرایط فساد اقتصادی به علت احساس ناامنی در پی بازارهای باثبات برمی‌آیند.

سازمان بین‌المللی "پی.آر.اس.گروپ" که هر ساله گزارشی از خطرات سیاسی، اقتصادی و مالی برای سرمایه‌گذاری و تجارت در ۱۰۰ کشور جهان منتشر می‌کند، در گزارشی از وضعیت اقتصادی ایران، به بررسی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پرداخته است. در این گزارش، فساد مالی و اقتصادی، از جمله بزرگترین موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران برشمرده شده است.

بر این اساس، این ادعا که عدم مبارزه با فساد مالی و اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرار سرمایه‌ها به خارج و ممانعت از ورود سرمایه‌ها به داخل دارد، پذیرفتنی است. ■

درباره ناکامی دولت‌ها در امر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، علل مختلفی برشمرده می‌شود، اما به فسادپذیری اقتصادهای دولتی کمتر توجه می‌شود. برای فساد اقتصادی موجود دلایل مختلفی برشمرده می‌شود، اما فساد از جمله عواملی است که احساس ناامنی را برای به‌کارگیری سرمایه‌های داخلی و ورود سرمایه‌های خارجی ایجاد می‌کند.

فساد مالی و اداری و سیاسی در هر کشور، به هر میزان که گسترده‌تر باشد، شفاف‌بودن فعالیت‌های اقتصادی را با پرسش روبرو می‌کند و اقتصاد کشور به همان اندازه زیرزمینی خواهد شد و پولشویی جریان خواهد یافت. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت در شرایطی که فساد در جامعه‌ای گسترده است، سرمایه‌های داخلی و خارجی به صورت سالم در اقتصاد ملی به فعالیت خود ادامه دهند و تولید ملی و چرخه اقتصادی را رونق بخشند.

اگرچه سرمایه‌ها همواره به دنبال بازارهای زودبازده و سودآور هستند، و در کوتاه‌مدت در اقتصادهای فسادپذیر چنین هدفی تامین می‌شود، اما به علت آن که سرمایه‌ها معمولاً جذب فعالیت‌های دلالی می‌شوند، لذا به علت نوسانات شدید این نوع بازارها، زیان‌هایی را هم به اقتصاد ملی وارد می‌کنند، ضمن این که کوتاه‌مدت‌بودن دوره رونق اینگونه بازارها، مانع از آن می‌شود که اینگونه بازارهای پررونق دوره‌ای، اما کوتاه، موجب سامان اقتصادی شوند.

درواقع، بخش خصوصی به لحاظ حقوقی امکان ورود به بخش‌های بزرگ و صنایع مادر را که در تملک دولت هستند، ندارد.

نباید فراموش کرد که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پس از مدت‌ها بحث و استدلال و اختلاف‌نظر بین مجلس و شورای نگهبان، در نهایت در مجمع تشخیص مصلحت به تصویب رسید، اما باید توجه نمود که زمینه‌های حقوقی و اجرایی و بوروکراتیک ورود سرمایه‌های خارجی به صورت کامل فراهم نشده است.

**۲-۲) ملاحظات غیراقتصادی درباره سرمایه‌گذاری:** اگرچه دولت‌ها برای استفاده از سرمایه‌ها در بخش‌های مختلف، اهداف حمایتی، توسعه‌ای، تامین اجتماعی و... را در نظر دارند، اما این نوع سرمایه‌گذاری‌ها معطوف به بخش زیرساختی و یا انسانی، یعنی آموزشی و بهداشتی است که اهداف رفاهی را تامین می‌کنند، ضمن این که در اقتصادهای دولتی به علت حاکمیت نظام بوروکراتیک پیچیده، تحقق چنین اهدافی با حداکثر هزینه و با کندی پیش خواهد رفت.

در اقتصادهای دولت‌سالار، عمده سرمایه‌گذاری‌ها نیز اهداف تبلیغاتی را مورد نظر دارند. سرمایه‌ها اغلب در مناطقی هزینه می‌شوند که توجیه اقتصادی چندانی ندارند و جذب سرمایه‌ها به میزان نفوذ در قدرت مرکزی وابسته است.

**۲-۳) فسادپذیری اقتصاد دولتی:** اگرچه

## برگه اشتراک

تاریخ.....

نام و نام خانوادگی مشترک: .....  
 سن: ..... تحصیلات: ..... شغل: .....  
 شماره‌های درخواستی: از شماره ..... تا شماره .....  
 نشانی پستی: .....  
 شماره تلفن تماس: .....

### مشترک‌گرومی

\* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸